

۱۱ سپتامبر را مردم شیلی فراموش نمی کنند

امید محاکمه شکنجه گران و کودتای ها باقی است

گزارشگر ویژه اومانیتیه در سانتیاگو

ترجمه حمید محوی

۱۱ سپتامبر روز حمله به دو برج تجاری در امریکا و سرآغاز سیاست تهاجم نظامی ارتش این کشور به افغانستان و عراق است. بهانه "مبارزه با تروریسم" است، اما انگیزه اشغال استعماری این دو کشور.

مردم جهان و بویژه مردم شیلی ۱۱ سپتامبر دیگری را نیز بخاطر دارند که یاد آور کودتای تروریستی امریکا در این کشور است. ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ روزی است که ارتش شیلی با حمایت امریکا علیه دولت قانونی دکتر سالوادور آلنده دست به کودتایی خونین زد و یکی از مخوف ترین دیکتاتوری های معاصر را در این کشور برقرار ساخت.

"ویویان دیاز" زنی ۵۶ ساله و از داغ دیدگان این کودتاست که می گوید این روز را هرگز فراموش نکرده و نخواهد کرد، زیرا به هیچ روز دیگری شبیه نیست.

او اکنون در کمیته خانواده زندانیان، قربانیان و مفقود شدگان کودتای ۱۱ سپتامبر نظامی ها در شیلی سمت معاون رئیس این جامعه را دارد. در شیلی، امسال و با بهره گیری از بازگشت قانون و دموکراسی به شیلی یک راهپیمایی برگزار شد تا به نسل جدید این کشور گفته و نشان داده شود در کودتای ۱۹۷۳ و سالهای پس از آن بر زندانیان و خانواده ها، بر قربانیان و ناپدید شدگان چه گذشت و اختناق نظامی بیش از سه دهه با مردم شیلی چه کرد. در آن سالهای سیاه هزاران تن به جوخه های اعدام سپرده شدند و دهها هزار نفر به دست شکنجه گران شکنجه شدند و نام ۱۱۹۷ تن هنوز در لیست ناپدید شدگان آن کودتا قرار دارد. طی همان سه دهه صدها هزار تن ناچار به مهاجرت و گریز از کشور شدند که شمار وسیعی از آنها هنوز به میهن بازنگشته اند.

"ویویان" می گوید: «در آن زمان، پدرم ویکتور دیاز مرد شماره دو حزب کمونیست کشور بود. از همان شب یازده سپتامبر پنهان شد تا بدست کودتایی ها نیفتد. زندگی مخفی او بدینگونه آغاز شد و سه سال ادامه یافت، تا آنکه سرانجام در ۱۲ ماه مه ۱۹۷۶ بدست پلیس سیاسی پینوشه دستگیر شد. از همین زمان جستجوی ما برای یافتن رد پائی از او آغاز شد. جستجویی که ۳۰ سال ادامه یافته و هنوز نمی دانم بر سر او چه آوردند. ما پس از سرنگونی پینوشه توانستیم شکایتی تسلیم مقامات دولتی کنیم، اما بی نتیجه. تا آنکه در ژانویه ۲۰۰۷ یکی از شاهدان جنایتی که پلیس سیاسی و شکنجه گران در زندان مرتکب شده بودند لب گشود و گفت که پدرم در یکی از پادگان سری ارتش، واقع در خیابان سیمون بولیوار در سانتیاگو زندانی شده بود. یعنی همان پادگانی که قتلگاه دستگیر شدگان کودتا بود. در این پادگان زندانیان را بصورت وحشیانه ای شکنجه می کردند. شوک برقی، روغن داغ، ... با همین افشاگری توانستیم از سرانجام پدرم در زندان مطلع شویم: خاکستر او را به دریا ریختند...»

ما او را از ژانویه ۱۹۷۶ دیگر ندیدیم و هرگز نیز نخواهیم دید. اکنون علیه ۶۰ تن که از جمله شکنجه گران آن پادگان بوده اند دادخواستی را تسلیم مقامات قضائی دولت کرده ایم. پینوشه به مرگی طبیعی و در کهولت کامل مُرد و با حمایتی که امریکا و اروپا از او کردند، نتوانستیم وی را روی نیمکت دادگاه بنشانیم. حال امیدواریم از آن ۶۰ شماری را که باقی مانده اند روی این نیمکت ببینیم.

دموکراسی از سال ۱۹۹۰، به شیلی بازگشته است، بنیادهای مدنی و کانون های دفاع از حقوق بر در کشور فعال اند. چرا نباید شاهد این محاکمه باشیم؟

راه توده ۱۴۹ - ۲۰۰۷, ۰۹, ۱۷

راه توده